

هوای وطنم آرزوست

جواد پرویزی، پروفیسوری که
اسم و رسمی در دنیا دارد
گوزل زنجان و گوزل دیلیمز، هیچ وقت
یادمدان چیخمازا!
گفت و گوی موج بیداری
با مدیر سابق موسسه‌ی «راتمن» امریکا
سرچشمه (۲)

شکستگی لگن برای اولین بار در زنجان جراحی شد

سرچشمه (۲)

بازار زنجان را دریابیم

اعلامات (۴)

J A M A L



همیشه که نباید سیل سارا را برید

صفر حدیری

«احمد بیگ تقیلو» (۱۲۶۹–۱۳۶۶) برای هم ولایتی های ما فقط یک بزرگ خاندان بر روی آگهی های فوت و مجالس ترحیم نیست؛ بلکه سمبل یک انسان چند ضلعی است که ۳۷ سال بعد از فوتش حتی کسانی که او را اصلاً ندیده‌اند هم کلی خاطره از ایشان دارند. خاطراتی که از این و آن شنیده‌اند و حالا او بر پای خود یک اسطوره ساخته‌اند.

آخرین کدخدای رسمی روستاهای سیدلر وروزدوروستایی که بیلاق و قشلاق مرعمانی بود که احمد بیگ برای‌شان کدخدایی اول بود. یلا احمد بیگ تا آخر عمر مخالف کوچ روستایی‌ها به‌شهر بوداما زورش به‌همه‌ی آن‌ها نرسید. چند زن رسمی و چندتین زن صیغه‌ای حاصل مجاهدت‌های خستگی ناپذیر مزوج شدن و تولید مثل ده‌ها فرزند و صدها نوه و نتیجه است که در پهنه‌ی گیتی پخش و پلا هستند؛ با این حال نزدیک به دو برابر همین تعداد هم فرزندخوانده دارد، کسانی که مادرشان با احمد بیگ ازدواج کرده‌اند. محبویت‌احمدبیگ نزد فرزندخوانده‌هاییس فراتر از فرزندان و نوه‌های طبیعی‌اش است.

مادر صاحب این قلم فرزند بزرگ احمد بیگ بود. تعداد پسر خاله و دختر خاله و پسر دایی و دختر دایی‌هایم را دقیق نمی‌دانم و بعضی از آن‌ها را هرگز ندیده‌ام. اما را ز ماندگاری احمدبیگ‌دهنم و خاطره‌ی هم‌ولایتی‌های من نه‌برکوردهای تجدیدافراش و تولیدمثل که در سبک زندگی خاصش نهفته است.

نخست این که احمد بیگ در اغلب روستاهای حومه‌ی ماهنشان سمبل عشق ورزی و عاشق ماندن بود. زن اولش –سارا بیگم – دختر خان ماهنشان بود که داستان او دواجش وارد فولکلورهای موسیقی محلی شد و بیشتر به افسانه گزلیید.

اهالی ماهنشان مخالف ازدواج دختر خان‌شان با یک غیر هم ولایتی بودند ولی احمد بیگ کسی نبود که از خط و نشان کشیدن‌های اهالی یک روستای ۸۰۰ خانواری با پس بکشد.بخصوص وقتی سارا بیگ هم با داشتن خواستگاران زیادی عاشق احمد بیگ می‌شود. شبانه و به طور مخفی و بی‌سر و صدا عروس را از ماهنشان خارج می‌کند و تا جوانان ماهنشان جبردار شوند چند فرسخی از آن جا دور شده بود. طبق افسانه‌ای که راست و دروغ آن پای روستای همان شب جوانانی از ماهنشان خبردار می‌شوند و باسب و اسلحه به طرف روستای سیدلر روانه می‌شوند، اما احمد بیگ فکر این جا را هم کرده بود. سر راه مشت مشت سکه نقره می‌پاشد و همین باعث می‌شود که بسیاری از سیاهی لشکرهای مدعی غیرت سرگرم جمع کردن سکه شده و بی خیال دختر خان شوند ولی این چنین بود که احمد بیگ با آرماش عروس‌اش را به منزل می‌رساند.

داستان ازدواج احمد بیگ با سارا بیگم یکی از قصه هایی بود که مرحوم پدرم با آب و تاب فراوانی تعریف می کرد. خودش هم از پدرش شنیده بود. شدت علاقه‌ی روستایی‌ها به این قصه آنقدر بود که بعد از ده‌ها بار شنیدن باز هم وقتی پای این قصه می‌نشدند یادشان می‌رفت که از کی دستشویی داشتند و همین که پدرم آنترکتی می داد جلوی دستشویی در گوشه حیات‌خلغله بود.

پدرم هم البته به این ماجرا آب و تاب فراوانی می داد. مثلاً وقتی که از رودخانه‌ی قزل اوزن رد می‌شدند احمد بیگ به همراهانش باخنده طعنه آمیزی گفته است:اهالی ماهنشان که سرگرم جمع کردن سکه هستند. رودخانه هم که زورش به من نرسید و نتوانست سارا را برید. فقط می‌ماند خاک که آن هم با من است.

برای سارا بیگ یک هفته تمام شبانه روز جشن می‌گیرند. ولی سرنوشته این بوده که عمر وصال کوتاه باشد. سارا بیگم در زایمان اول سر زارفت. مهره‌ی اش هم سفر مشهد بود که احمد بیگ همان سارا بیگم اول ازدواج او را به مشهد می‌برد. بعد از مرگ سارا بیگم سرنوشته برای احمد بیگ طوط دیگری رقم می‌خورد. چند سال در عزای سارا بیگم می‌ماند و بالاخره مناسبت محیط روستایی او را به ازدواج‌های بعدی می‌کشد. در همه این ازدواج‌ها دنبال نشانه‌ای از سارا بیگم بود ولی هیچ وقت هیچ نشانی از او نیافت.همه‌ی یادگاری‌های سارا بیگم را تا آخر عمر نگه داشته بود. زن دومش مادر بزرگ من دختر حمدالله خان از اهالی روستای پری و دختر عمه سارا بیگم بود.

لباس‌ها وروزآلات سارا بیگم را داخل صندوق چوبی قفل و کلون کرده بود. من به شخصه هفت نفر از زانش را دیدم. الان هم هنوز دو نفر از زانش زنده هستند. عصمت خانوم، زن آخرش که پانزده سال از مادر من به عنوان بچه‌اول احمد بیگ کوچکتربود هنوز زنده است. ننه معصومه هم مادر دایی نوروز و خاله فراتک هنوز زنده است و این عسک راهم همین دیروز بود که بالای طاویه ننه معصومه دیدم. پیرزنی با ۸۰ سال سن که هنوز چشمان سبزش تنها آدرس از چشم‌های سارا بیگم است و احمد بیگ همین چشم‌ها را در او دیده بود که به‌زنی گرفت‌اش. امانه معصومه هم هنوز احمد بیگ را دوست دارد.

تصور کنید که زن چهاردهم مردی که بعد از او هم ۳ زن دیگر گرفته است و حالا بعد از ۳۶ سال از فوتش همچنان عکس آن مرد را بالای طاویه‌ی اتاق گذاشته بقیه زانش هم که از او طلاق گرفتند ادامه در ستون کافه نادری صفحه ۳

سر چشمه– پروفسور جواد پرویزی، ارتوید و جراح برجسته‌ی زنجانی است که شهرتی در دنیا به هم زده و آوازماش دهان‌بدهان می‌رودچو عشق او در بازی پروری لگن، ران، زانو و نیز دردهای ران و مفاصل دارای بود تخصصی است و تا پایان سال ۲۰۳۳ مدیر کلینیک تحقیقاتی موسسه «راتمن» امریکابود.

پرویزی تنها پزشک ایرانی است که هم عضو آکادمی جراحان زانو و هم عضو جراحان لگن آمریکا و موسسه تحقیقاتی ارتوید امریکا است. این جراح و ارتوید صاحب‌نام در زمینه‌های کشت سلولی مقاوم در برابر عفونت تحقیقات زیادی انجام داده و به نتایج درخشانی رسیده‌است.

دکتر پرویزی تحصیلات خود را در سال ۱۹۹۱ در دانشگاه «شفیلد» بریتانیا به پایان برد. وی ادامه‌ی تحصیلاتش (جراحی) را در کلینیک مایو در «راچستر» از سر گرفت و در زمینه‌ی بهبود استخوان و غضروف موفق به دریافت‌بورد تخصصی شد.

پرویزی چندین جایزه‌ی بین‌المللی در رشته‌ی تخصصی خود دارد و از جمله در زم‌ری چهار فوق تخصص آمریکا در علم تعویض لگن به‌شمار می‌رود. او بیش از ۱۲ سرمایه (گرت) تحقیقاتی دارد و مولف ۳۱ عنوان کتاب با فصلی از کتاب علمی است. تا کنون نزدیک به ۱۱۰۰ مقاله‌ی علمی از پروفسور پرویزی در مجلات علمی دنیا انتشار یافته است. این جراح و ارتوید در سال ۲۰۰۴، نشان ویژه‌ی دانشمند کلینیکی «OREF» را دریافت کرده‌است.

گفتنی است پروفسور پرویزی در سال ۲۰۲۳ به عنوان رئیس (President) انجمن جراحان لگن وزانوی امریکا انتخاب شد. او یک شرکت ابداع و نوآوری به نام «ParvizSurgicalInnovation» تأسیس کرده‌کندرزمنه‌ی تولید دارو برای پیشگیری از عفونت بعد از عمل‌های جراحی، پیشرو بوده و به موفقیت‌های قابل توجهی دست یافته است.وی در کنار جراحی‌های فـر او ان پروژه‌های مطالعاتی، در حال حاضر در دانشگاه توماس جفرسون آمریکا نیز تدریس می‌کند.

دکتر جواد پرویزی در سال ۱۳۴۴ در کوچه مستشیری زنجان زاده شد و تحصیلات خود را در دبستان دکتر خانملی و نیز در مدراس مصطفی خمینی و امیر کبیر زنجان به اتمام رساند. او در سی سال گذشته چندین بار در زنجان و سایر شهرهای ایران عمل‌های جراحی موفقیت آمیزی رابه‌صورت رایگان برای هموطنان خود انجام داده و از سر عشق و مهرورزی، خدمات ارزنده‌ای را به بیماران خود ارائه نموده است. او که عاشق این آب و خاک است و مهربانان از آن سخن می‌گوید آمادگی آن را دارد برای توسعه و پیشرفت شهر و دیار خود در حوزه‌های درمانی و پزشکی سرمایه‌گذاری نموده و برای بهبود آلام عمومی همت گمارد. برای انجام مصاحبه با این چهره‌ی پرافتخار کشور پیام صوتی به زبان فارسی به واتساپ او فرستاده و برای معرفی هفت‌نامه‌ی موج‌یبداری موضوعاتی دادم و بعد از آن پیام کو‌تاهی را نیز به زبان ترکی فرستاده و در آن اشاره کردم که جا دارد پیامی نیز به زبان مادری‌مان برای شما بفرستم و… برای او گفتم اگر چه شما شناختی از بنده ندارید ولی ما شما را به نیکی می‌شناسیم و از عمق جان بر آن می‌بایم و جالب اینکه ایشان نیز بنده را از طریق دوستان می‌شناختند و پیام مهر آمیزی به زبان ترکی و با لهجه‌ی خاص زنجانی فرستاده و اظهار محبت نمودند. پیامی که از صمیم قلب فرستاده شده و آن لحن و لهجه‌ی زبیا بر جذابیت این پزشک حاذق و صادق افزود. به هر صورت این گفت‌وگو به خاطر مشغله‌های فراوان او و عدم دسترسی آسان به ایشان، به زحمت انجام شده و به دستا ن پر مهر شما همشهریان رسیده است. امیدواریم احسان و کمک‌های شما، در آن فاصله‌ی هزاران مایلی تدارک دیده‌شده است.پخوانید: جناب دکتر از آنجایی که در بازی پروری لگن، ران، زانو و نیز دردهای ران در افراد جوان و اتصال مفاصل تخصص دارید. کمی در این رابطه برای ما بگویید. این که چه کارهایی در این حوزه کرده‌اید و چه طرح و برنامه‌های در دست اقدام دارید.

ضمن عرض سلام و ارادت به همه‌ی همشهریانم و نیز آرزوی سلامتی به یکایک آنان و خوانندگان عزیز شما، باید بگویم که حدوداً قبل از ده سال اخیر، چند باری به ایران آمدم و در بیمارستان‌نهم (زنجان) و بیمارستان‌خاتم‌الانبیا حضور یافته‌ام و در حد توانم به جراحی همشهریان و ایثارگران کشور پرداخته و به بخشی از نیازهای درونی و روحی خود نسبت به هم‌یهناتم پاسخ کوچکی دادم. چون من عاشق انسانم و هموطنان و به‌ویژه همشهریانم را از صمیم جان دوست دارم. امیدوارم در فرصت‌های آینده نیز توفیق حضور در کشور داشته‌باشم و بتوانم در حد توان خود در حوزه‌ی تخصصی خود به‌معالجه‌ی بیماران نیازمند جراحی و درمان بپردازم. این نوع اقدامات در حق همه‌ی ایرانی‌هایکی از لذت‌های زندگی من است و از اینکه بتوانم مشکلی رایب‌هی متنی رفع کنم احساس خوشحالی می‌کنم. مایا، پدرای حل مشکلات خوددمت زیادی بکنیم و برای رسیدن به وضعیت مطلوب بکوشیم. این اصلی‌ترین وظیفه‌ی همه‌ی ماست و نباید از آن غفلت



هوای وطنم آرزوست

جواد پرویزی، پروفسوری که اسم و رسمی در دنیا دارد

گفت‌وگو با پروفسور پرویزی، مدیر سابق موسسه‌ی «راتمن» آمریکا

حسین نجاری

کنیم. اما در ایطه با موضوع بازپروری لگن باید بگویم که یکی از بیماری‌هایی که امروزه خیلی از جوانان دچار آن هستند آر‌تروز لگن است و یکی از دلایل آر‌تروز لگن نیز کم‌عمقی حرف‌وی لگن است که متأسفانه در ایران نیز این بیماری خیلی شایع شده‌است و جالب اینکه جوان‌های اطراف در‌یای مدیترانه بیشتر دچار این بیماری‌اند و همین نکته باعث شد تا روی این مسئله کار‌های تحقیقاتی زیادی انجام داده و به نتایج درخشانی برسیم. بعد از تلاش و تحقیقات علمی زیاد دریافته‌م که این عارضه یک ژن منصوصی دارد و آن باعث بروز این بیماری می‌شود ولی خوشبختانه موفق به کشف این ژن مخصوص دردمان آن شدیم. دوم اینکه آر‌تروز زانو و آر‌تروز تمام مفاصل بزرگ بدن به خاطر به هم خوردن میکروبیوم (Microbiome) (میکروبه‌های هم‌زیست که در بدن ما زندگی می‌کنند. و برای سلامتی و پیشگیری از بیماری‌ها خیلی مهم‌اند) و به‌وجود می‌آیند. و ما مدتی است در بیمارستان آچی‌یادام ترکیه روی این مسئله کار می‌کنیم و با یکسری عملیات بیولوژیکال ایجنت (biological agent) [جنگ زیستی] مانع از پیشرفت آر‌تروز می‌شویم. باتوجه‌به عضویت‌شما در آکادمی جراحان و موسسه‌ی تحقیقاتی ارتوید امریکامی‌خواهم کیفیت‌بوبرنامه‌های تحقیقاتی این موسسه برای ما بگوید و وضعیت و جایگاه علمی-تحقیقاتی این کشور در مقایسه با دیگر جاهای جهان چگونه است؟

بله بنده تنها ایرانی هستم که هم عضو آکادمی جراحان زانو و هم عضو آکادمی جراحان لگن امریکا هستم. البته سابق قبل نیز رئیس انجمن جراحان لگن و زانوی امریکا بودم (the american association of hip and knee surgeons) انجمنی که ۶ هزار نفر جراح لگن و زانو در آمریکا عضو آن هستند و ریاست آن نیز به این خاطر به بنده سپرده شد که یکسری تحقیقات و عملیاتی در کشور سوئیس روی بیماران انجام داده و در آمریکا آن را عرضه و اجرا کردم و خود این موضوع باعث شد تا کار و اسم (اسم و رسم) من در دنیا شناخته‌شود.

در رابطه با جایگاه علمی و تحقیقاتی کشور امریکانیز باید بگویم که آن تحقیقاتی که در آمریکا می‌شود انجام داد با دیگر کشورهای جهان قابل مقایسه نیست. به عبارتی می‌توان گفت انجام این تحقیقات در دیگر نقاط جهان کار دشواری است، چون بودجه‌ی تحقیقاتی در آمریکا با همه‌جای دنیا فرق می‌کند و خیلی بزرگ‌تر از بودجه‌هایی است که در جاهای دیگر جهان تخصص می‌یابد. و این حجم از سرمایه‌گذاری اصلاً قابل قیاس با کشورمان نیست. اگر چه در ایران افراد خیلی باهوش و سخت‌کوشی وجود دارند ولی از آنجایی که ما بودجه‌ی پژوهشی خاصی در ایران نداریم کار‌های پژوهشی ما را با مشکلاتی مواجه می‌کند. جالب است بدانید که بنده من با تکیه بر همین بودجه‌ی پژوهشی تعداد ۱۱۰۰ مقاله‌ی علمی در مجلات معتبر چاپ کرده‌ام و بالاترین شاخص ارتوید دنیا (h-index) (h) متعلق به بنده‌است. علاوه بر این چندین بار نیز موفق به کسب جوایز بین‌المللی شدم. جناب دکتر پرویزی ظرفیت علمی و تحقیقاتی علوم

که در دنیا بر‌گزار می‌کنم از اکثر ارتوپدهای ایرانی دعوت می‌کنم و اتفاقاً در یکی از بزرگ‌ترین مینینگ‌های ما که در سپتامبر سال گذشته در استانبول برگزار شد حدود ۲۵ نفر از جراحان ایرانی حضور داشتند و این استقبال باعث خرسندی من بود. این دوستان افراد باهوش و با تکنیک علمی بالایی بودند.

همچنین در رابطه با دوستان زنجانی نیز باید بگویم که با دکتر بیگلاری دوست هستیم و ارتباط خوبی باهم داریم، همچنین با زنده‌یاد دکتر بهمن قزلباش و دکتر لازمی نیز همکاری داریم. ولی تا به حال فرصتی پیش نیامده تا در یک پروژه‌ی مشترکی همکاری داشته‌باشیم.

جناب دکتر آیا تا به حال بیماری‌های اعزامی از ایران به ویژه از شهر زنجان برای درمان به امریکا داشته‌اید؟ لطفاً کمی در این رابطه صحبت کنید.

بله از زنجان و نیز از دیگر نقاط ایران برای‌معالجه به آمریکا آمده‌اند و تمام تلاشم را برای سلامتی آن‌ها انجام دادم. مخصوصاً یکی دو نفر از مراجعین عفونت شدید و وضعیت جسمی و خیمی‌داشند ولی خوشبختانه موفق به‌معالجه‌ی آن‌ها شدم. یک بار یک خانمی را از مشهد آورده بودند که باید پای او قطع می‌شد ولی وضعیت او را مدیریت کرده و توانستم بدون آن‌که پای او را ببرم، معالجه‌اش کنم. این قبیل کار‌ها باعث خوشحالی هر انسانی می‌شود من نیز از اینکه در سلامتی انسانی سهمی داشته‌ونقشی ایفاکنم خوشحالم.

آقای دکتر پرویزی بنده اسم شما را برای اولین بار در دهه‌ی ۹۰ میلادی شنیدم. اگر اشتباه نکنم مربوط به زمانی است که گفتند یک پزشک زنجانی از امریکا آمده و در بیمارستانی جراحی لگن می‌کند و احتمالاً به صورت رایگان هم آن را انجام می‌دادید و من خاطره‌ای از آن همه شور و امید همشهریانم دارم. لطفاً اگر چیزی به خاطر دارید برای ما روایت کنید.

البته الان نزدیک به سه دهه هست که به ایران نیامدم ولی در سال‌های قبل از آن، توفیق داشتم پنج، شش سال متوالی به ایران بیایم و از جمله در شهر زنجان عمل جراحی‌های رضایت‌بخش و رایگانی را برای همشهریانم انجام دهم ولی در این سال‌های نزدیک متأسفانه توفیق نیافتم به ایران بیایم ولی در نظر دارم در آینده نزدیک سفری به ایران داشته‌باشم و وظیفه‌ی خودم را با افتخار برای همشهریانم انجام‌دهم. مخصوصاً بیماری‌های که بضاعت چشمانی ندارند و از این بابت در مضطیق مضاعف‌اند.

یکی از خاطرات آن سال‌هایم این است که مرضی داشتم از منطقه‌ی کرسف آمده بود. او از درخت گردو افتاده و لگن‌اش شکسته بود. عمل جراحی او با موفقیت انجام‌شد و او برای قدرانی از بنده یک نایلون گردو برایم هدیه آورد و انجام‌شده کار کنار گذاشت چرا که کاستن از درد مشکلات کرد و من هم به خاطر حسن و حال انسانی آن، این هدیه را با خودم آوردم به امریکا، البته یکی از بیمارانت نیز که از منطقه‌ی تکاب بود برای تقدیر از بنده یک شیشه عسل داد برایم و آن را هم در کنار نایلون گردو گذاشته و آوردم به امریکا چون این رفتار‌های ساده و صمیمی که برای قدردانی من از انجام‌شده بود برایم بسیار زیبا و ارزشمند بود. این احساس رضایت بیماران برایم خیلی خوشایند است و از اینکه توانسته بودم وظیفه‌ی خودم را نسبت به همشهریانم ادا کنم و آن‌ها نیز متقابلاً بگونه‌ای بنده تقدیر می‌کردند ارزش معنوی بسیار بالایی برایم داشت.

و یک خاطره‌ی دیگر این که مرضی داشتم که پای او از زانو خم نمی‌شد، پای او در حالت صاف و بدون انعطاف قرار داشت، چند روز بعد از جراحی او، رفتم سراغش را گرفتم، دیدم در سلف‌سرویس نشسته و پاهایش را جمع کرده و دارد غناایش را می‌خورد با دیدن این صحنه منقلب شدم و خدا را شکر کردم که عمل ام موفقیت‌آمیز بوده چون خیلی امیدوار نبودم مشکلش حل شود. خلاصه این خاطرات بخشی از لذت‌های زندگی بنده است. وقتی به آن‌ها فکر می‌کنم احساس خوشایندی پیدا می‌کنم.

با توجه به عنایت و دل بستگی عمیق شما به کشور و همشهریان خود و حضور امیدبخش تان در سال‌های گذشته در بیمارستان‌نهم و انجام عمل جراحی تعدادی از همشهریان و حتی ایثارگران استان، از روابط خود با این بیمارستان و مراکز درمانی دیگر استان برای ما بگویید. بله چند باری در بیمارستان‌نهم جراحی‌هایی را انجام داده‌ام. یک بار از بابت این جراحی‌هایک برگ چکی برایم تقدیم کردند ولی از آنجایی که ارائه‌ی خدمات پزشکی به همشهریانم و عمل جراحی بیماران وظیفه‌ی وطنی بنده است چک منور بر او امره مالی بیمارستان تقدیم کردم تا در آنجا برای ارائه‌ی خدمات پزشکی هزینه‌شود.

آیا دوباره به زنجان می‌آیید و همچنان برنامه‌ای برای جراحی بیماران در زنجان خواهید داشت؟

امیدوارم در آینده نزدیک سفری به ایران داشته‌باشم و فرصت خدمت به همشهریانم فراهم گردد. باید عرض کنم شاید ده سال پیش بود که خواستم مجتمع پزشکی تفریحی در زنجان راه‌اندازی کنم که علاوه بر خودم از ارتوپدهای مطرح و جراحان و پزشکان ممتاز رشته‌های دیگر دعوت به همکاری نمایم تا بتوانیم خدمات پزشکی نیز بایده‌بگویم که ارتباط علمی خاصی با ایران ندارم ولی با تعدادی از پزشکان ایرانی ارتباط دوستانه‌ای داریم. در عین حال باید اشاره کنم که اگر چه پروژه مشترکی با موسسات ایرانی کار نکرده‌ایم ولی برای متینگ‌هایی



شکستگی لگن برای اولین بار

در زنجان جراحی شد

سر چشمه- طی یک جراحی بی‌بی‌بهدر زنجان، شکستگی حلقه‌های قدیمی و خلفی لگن در یک بیمار به‌طور همزمان ترمیم‌شد.

به گزارش ایرنا، متخصص جراحی استخوان و مفاصل و فلوشیپ ستون فقرات، با بیان این مطلب افزود: بیمار، مرد جوانی بود که بر اثر سقوط از ارتفاع دچار شکستگی حلقه‌قدیمی و خوردشدگی حلقه خلفی لگن شده بود. دکتر سیامک شعبانی افزود: طی یک عمل جراحی حدوداً دو ساعته، ابتدا بیمار به پشت خوابانده شد و حلقه قدیمی لگن او به وسیله پیچ و پلاک، ثابت شد سپس بیمار بر روی شکم قرار گرفت و مهر‌های چهار و پنج کمر او به حلقه خلفی لگن متصل شد. شعبانی با بیان اینکه این عمل جراحی در بیمارستان آیت‌الله موسوی زنجان انجام شد، خاطر‌نشان کرد: پیش از این، بیماران در موارد مشابه جهت جراحی و درمان به تهران اعزام می‌شدند. پیش از این نیز عمل جراحی برای بهبود در رفتگی مادرزادی لگن و کوتاهی اندام برای اولین بار در استان در بیمارستان امام حسین (ع) شهر زنجان با موفقیت انجام‌شد. این عمل برای اولین بار با کمک تیم اتاق عمل بیمارستان امام حسین (ع) در استان زنجان بر روی مردی ۵۲ ساله با وزن ۸۰ کیلوگرم که متقاضی این عمل جراحی بود انجام‌شد که به دلیل در رفتگی مادرزادی لگن و کوتاهی به بیمارستان تأمین اجتماعی امام حسین (ع) مراجعه کرده‌بود.



قاچاق گوشی‌های آیفون

ضربه به تولید داخل است

سرچشمه- قاچاق گوشی‌های آیفون باعث افزایش بیکاری در بخش تولید داخلی شده‌است. نماینده مردم پره‌رخو در مجلس پنجم شورای اسلامی گفت: برای مقابله با قاچاق و واردات آیفون باید اقدامات جدی از جمله تسهیل واردات قانونی صورت پذیرد.

دکتر منصور علیمردانی نماینده مردم ابهر، خرمدره، سلطانیه در مجلس شورای اسلامی در خصوص واردات گوشی‌های موبایل و تعرفه‌هایی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده اظهار کرد: سالانه میلیون‌ها گوشی آیفون به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود.

وی ادامه داد: این در حالی است که ارزش ریالی این قاچاق سالانه به ده‌ها هزار میلیارد تومان می‌رسد و دولت هم به همین دلیل رقم قابل توجهی از مالیات را از دست می‌دهد. علیمردانی خاطر نشان کرد: تفاوت قیمت قابل توجه این گوشی‌ها در بازارهای داخلی و خارجی، کمبود عرضه قانونی و ضعف نظارت بر واردات، از جمله دلایل اصلی افزایش قیمت گوشی‌های موبایل است.

این نماینده مجلس ضمن بیان آسیب‌های واردات گوشی موبایل به صورت قاچاق بیان کرد قاچاق گوشی‌های آیفون علاوه بر کاهش درآمدهای دولت، به اقتصاد نیز زمین‌دامن زده و باعث افزایش بیکاری در بخش تولید داخلی شده است.
حجت‌الوقایه قاندر به پرداخت مطالبات بان‌نشستگان و تبدیل وضعیت شرکی‌هایست.

عضو کمیسیون بهداشت مجلس تصریح کرد: همین واردات قاچاق در کوچک شدن سفر‌های مردم بی تأثیر نبوده‌است، برای مقابله با این پدیده باید اقدامات جدی از جمله تسهیل واردات قانونی، افزایش نظارت بر بازار شفاف‌سازی و دریافت تعرفه‌های قانونی صورت پذیرد.

علیمردانی در پایان خاطر نشان کرد: کسانی که با واردات غیرقانونی گوشی از جمله گوشی آیفون موافق هستند در عمل از منافع قاچاقچیان حمایت می‌کنند و معیشت مردم برایشان‌همینست.



معنوی به زادگاهم و آن آب و خاک، همچنان این آمادگی را دارم در صورت مساعد بودن شرایط، این کار را از سر بگیرم اگر یک کلینیک توریستی پزشکی در آنجا ساخته‌شود هر از گاهی می‌توانیم حتی از متخصصان برتر دنیا در آن مرکز استفاده کنیم. ما باید هرکاری که از دست‌مان بر می‌آید برای رفاه مردم و نیز برای آبادانی و پیشرفت کشور انجام دهیم. دنیا با سرعت دارد پیش می‌رود و ما نباید فاصله‌ی خود را از آن‌ها زیاد کنیم.

با دکتر علیرضا مغازه، رئیس بیمارستان «capital health» هم مرادهای دارید؟

با دکتر مغازه رفاقت کهنه‌ای داریم و باهم در رفت و آمدیم. ایشان انسان شریف و باهوش هستند و بیمارستانی که دکتر مغازه ریاست آن را بر عهده دارند یکی از بیمارستان‌های معتبر آمریکاست. خلاصه ایشان باعث افتخار ما هستند و در آمریکا پیشرفت خوبی کرده‌اند. برای این دوست عزیز و قدیمی آرزوی موفقیت بیشتر دارم.

سخن آخر اینکه چه پیامی برای همشهریان خود دارید.

من هیچ وقت زنجان و ایران را فراموش نمی‌کنم و امیدوارم خدمتانی را که برای انسان‌های مختلف دنیا انجام داده‌ام، روزی برای هموطنانم ارائه‌دهم. صمیمانه بگویم که گوزل زنجان، گوزل آن‌بور دوم و گوزل دیلمز هیچ وقت بادیمان چرخم!ا



زیست-سیاست یا سعادت معطوف به آخرت؟

سینا جهاندیده



انقلاب اسلامی ایران با تأکید به همین سعادت علیه حکومت پهلوی که در جستجوی راهی بود تا سعادت دنیوی را جانشین سعادت‌اخروی کند،قیام کرد.اما سعادت معطوف به جهان اخروی در ایران بعد از انقلاب تنها یک دهه دوام آورد. در تمام دوران جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، بدن مقدس یا بدن آسمانی توانست در برابر همه ناملایمات تاب آورد.اما با پایان یافتن جنگ هشت‌ساله و آغاز دهه‌ی هفتاد گفتمان سعادت دنیوی بر گفتمان سعادت معطوف به آخرت مسلط شد؛ از همین دوره است که بدن مقدس جای خود را به بدن زیبایی شناختی می‌دهد.

سعادت معطوف به دنیا را می‌توان با مفهوم فوکویی زیست-سیاست (bio-politics) مقایسه کرد.فوکو زیست-سیاست را قدرتی می‌دانست که بعد از شکل قدرت در جهان پیشاملدن آشکار شده و هدف آن کنترل و سازمان‌دهی حیات است و از عقلانیت معطوف به بدن دفاع می‌کند. اگر در جهان پیشاملرن، قدرت، مراتبی، در گفتگو با بدن است و همچنین بدن شاه یا حاکم همهی بدن‌ها را کنترل می‌کند، در جهان مدرن قدرت نه تنها مراتبی نیست، بلکه در مراده با دانش و اقتصاد سیاسی شکل گرفته است. قدرت در جهان پیشاملرن زندگی را نفی می‌کرد تا ارزش‌های اخروی برجسته‌شوند.به همین دلیل بیش از آنکه در فکر تیمار بدن‌ها باشد، به نفی بدن‌ها فکر می‌کرد؛ یا اینکه بدن‌ها را به گونه‌ای در ریاضت قرار می‌داد تا نسبت به لذت تن احساس گناه کنند.

بنابراین بدون سلطهی گفتمان معطوف به دنیا، زیست-سیاست نمی‌تواند به شکل دقیقی شکل بگیرد. زیست-سیاست منجر به سیاست خرد می‌شود. منظور فوکو از سیاست خرد، سیاستی است که نهادهای معطوف به زندگی را شکل می‌دهد. فوکو معتقد است تولد نهادهایی چون مدرسه،زندان، بیمارستان،آسایشگاه،دماغاهو حتی پلیس براساس تعریف جدیدی از قدرت که در جهان مدرن شکل گرفته،بنیاد یافته‌است.

با توجه به این مقدمات، می‌توان این سوال را مطرح کرد که آیا در ایران تعادلی بین زیست-سیاست و سیاست خرد وجود دارد؟ نهادهایی چون بیمارستان، مدرسه، تیمارستان و زندان در ایران ظاهری مدرن و باطنی پیشاملرنی دارند؛ به عبارت دیگر، دو تعریف توانان از بدن در این نهادهای جریان دارد: بدن مقدس معطوف به آخرت و بدن زیباییشناختی. این تعارض به شدت در کشورهای درسی مدارس ایران، خصوصاً در رشته‌ی علوم انسانی یا کتاب‌های علوم انسانی قابل مشاهده است. چنانکه دانش‌آموزان نمی‌دانند باید از کدام یک از سعادت‌ها و معناها پیروی کنند: آیا به جهان بیرون از مدرسه که بانمند است توجه کنند یا به گزاره‌های معطوف به آخرتی که این کتاب‌ها بر آن تأکید می‌کنند ایمان بیاورند. در واقع یکی از چالش‌برانگیزترین بحران‌ها در مدارس ایران، بحران‌ی است که از تعارض دو گفتمان سعادت معطوف به آخرت و سعادت معطوف به دنیا، زاده شده است. این تعارض باعث شده است تا معلمان و دانش‌آموزان همیشه با نقاب شخصیتی یا تعارض در واقعیت مواجه شوند. یعنی دانش‌آموزان به پرسش‌های مدرسه پاسخ‌هایی می‌دهند که ایمان به آن ندارند. بحران حجاب و پوشش که اکنون ایران به شکل حدادی با آن مواجه است، باز ریشه در همین تعارض دارد. سعادت معطوف به دنیا تعریف دیگری از «بدنمندی» دارد؛ پس طبیعی است که در برابر تعریفی که سعادت معطوف به آخرت از حجاب دارد مقاومت کند.

فوکو معتقد بود که بین قدرت مدرن و پیشاملرن شکاف عمیقی است. او مفهوم زیست-سیاست را برای جهان مدرن به کار می‌یست، نه به شکل کلی برای تمام جهان‌ها. در ایران تعارض این جهان‌ها کاملاً آشکار است چنانکه نهادهایش مدرن‌اند اما تعریفی که از سعادت وجود دارد معطوف به آخرت است. از این رو نمی‌توان تعریفی را که فوکو از قدرت دارد در ایران مشاهده کرد.

دوست عزیز و ارجمند جناب آقای کلاماله هدایتی
درگذشت فرزند دل‌بندتان را به شما دوست شریف و بزرگوار تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند مهربمن و متعال برای آن عزیز سفر کرده رحمت و مغفرت و برسی‌رای یکایک داغدیدگان، صبر و سلامتی آرزو مندیم
موج پیداری

هفت‌حوض-شیموس هینی در ۱۳ آوریل ۱۹۳۹ میلادی در ماسپاون واقع در ۳۰ مایلی شمال‌غربی بلغاست دیده‌به جهان گشود.او نخستین فرزند از یک خانواده پرجمعیت بود و شغل پدرش کشاورزی بود. هینی از داشتن پدر در

عنوان جوانی محروم شد و برادر جوانش را از دست داد که این حوادث خاطره‌های غم‌انگیزی را برای وی رقم زدند. وی پس از گذراندن مقاطع تحصیلی و دریافت درجه ممتاز در زبان انگلیسی از دانشگاه کورنیز بلغاست به تدریس پرداخت و نقش عملدها در پرورش نسل جوان نویسنده‌گان ایرلندی ایفا کرد. این نویسنده بزرگ در ۱۹۶۳ میلادی پس از نوشتن مقالات زیاد و متنوع در مجله‌های محلی مورد توجه فیلیپ هابز باوم قرار گرفت. هابز باوم که گروه بلغاست را که متشکل از شاعران جوان و آوانگارد بودند، تأسیس کرد، پیوستن هینی به این گروه او را با بسیاری از نهادهای ادبی دیگر آشنا ساخت و گاهی برای شهرت او به شمار می‌رفت.

هینی در ۱۹۶۵ میلادی بهاری دیولین ازدواج کرد. دیولین خودنویسنده بود در ۱۹۹۲ میلادی مجموعه‌ای از نوشته‌های خود را درباره اسطوره‌ها و اساطیر کهن ایرلند به چاپ رسانده بود. در ۱۹۶۶ هینی به عنوان استاد ادبیات مدرن انگلیسی در دانشگاه کوبین معرفی شد. در این سال‌ها نخستین فرزند او میشل متولد می‌شود دو سال بعد دومین فرزند وی به نام کریستوفر به دنیا آمد.

هینی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۴ میلادی به عنوان استاد مهمان در دانشگاه برکلی کالیفرنیا و دانشگاه کوبین به تدریس ادامه می‌دهد. وی در این سال‌ها تنها به تدریس و شعر اکتفا نمی‌کند. مقالات زیادی از او در حوزه فرهنگ و ادبیات منتشر می‌شود و در ۱۹۸۱ میلادی جزو پنج چهره برجسته ایرلند انتخاب می‌شود. در همین سال او استاد مدعو دانشگاه هاروارد می‌شود و دو دکترای افتخاری را از دانشگاه کوبین و فوردهام در نیویورک دریافت می‌کند، لازم به ذکر است که این شاعر سرشناس به مدت پنج سال یعنی از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۴ در دانشگاه آکسفورد به عنوان استاده به تدریس پرداخت.

برخی از ویژگی‌های آثار شاعر ایرلندی

یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های شعر هینی توجه به اسطوره‌های کهن و کشاندن آنها به شکلی به دنیای جدید و دگرگون کردن آنها و همچنین توجه به زبان امروز انگلیسی است به همین دلیل بسیاری از شاعران، شعر وی را مصداق شعر پُست‌مدرن می‌دانند. آثارش واضح و معمولاً همراه تصویری از طبیعت و در پی کشف روح بودند، او طوری از سنگ‌ها و باتلاق‌ها می‌نوشت و آنها را به پیش زمینه‌هایی برای مسایل اخلاقی تبدیل می‌کرد که نه تنها عارفان، بلکه کاتولیک‌های معتقد نیز آنها را می‌خواندند. او که پیوسته برای سرودن شعرهایی در جهت تحققِ «مان‌های کاتولیک‌های کم‌ی خوانسته، ایرلند جدا از کنترل انگلیس باشد، تحت فشار بود، بیشتر کارهای خود را بر روی خشونت‌های فرقه‌ای در منطقه انگلیسی اولستر متمرکز کرد. اما او هر دو طرف درگیری‌ها را می‌دید و هیچ گاه چیزی نسرود که کاملاً از خشونت در ایرلند حمایت کند. او به نفوذ دانشگاه پینسپولینا در هنگ‌و ادبیات این کشور را بسیار تحسین می‌کرد. تمام زندگی هینی در سه محور مهم خلاصه شده بود: مبارزه برای ترویج صلح در سه دهه ناآرامی‌های ایرلند شمالی، کارهای ارجمند در خلق ادبیات مدرن و پاسداری از زبان کهن و حماسه‌های آنگلو ساسکون.

عشق و صف‌ناپذیر به مقوله آموزش و پرورش؛ امری که او هیچ‌گاه از آن غفلت نکرد. او در جریان جنگ‌های ایرلند شمالی با صدا ی رسا خطاب به نویسندگان مشتاق می‌گفت: نباید ترسید، قلم‌های را برای رسیدن به صلح به کار برید. در جریان دهه‌ها خشونت در ایرلند شمالی او بارها از سیاستمداران شمال، جنوب جمهوری خواه و هواداران اتحاد با انگلیس خواست که برای رسیدن به صلح باید تفنگ‌های‌شان را به زمین گذارند.

انتشارات فیبر اند فیبر که کارهای او را به مدت ۵۰ سال چاپ می‌کرد در بیانیته‌ای او را یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان خواند که تأثیرش بر فرهنگ ادبی، بی‌اندازه بوده است. وی از معدود شاعران امروزی بود که نه تنها بیشتر متقدان تحسینش می‌کردند بلکه آمارهانشان می‌دهد که شعرهای او در دهه‌های گذشته بیشتر از هر شعری در انگلیس خوانده می‌شدند. اشعار او، که همواره با استقبال عمومی خوانندگان ایرلند و سراسر کشورهای انگلیسی‌زبان و بیرو

بوده، بارها موجب دریافت جایزه‌های مختلف از انجمن‌های متفاوت سراسر اروپا شده است. هینی در یکی از مجموعه سخنرانی‌های خود به نام قرمز بودن شعر گفت: از نوشتن لذت ببرید یک اثر را مانند تصویر دستتان در نیمه شب یا رویی خورشید بر روی سینه تان کشت دهید. حال غذا نخورده‌اید، سرتان گیج می‌رود و خطرناک هستید. از اینجا شروع کنید و این قدر سنگین بنمید.

این شاعر نامدار ایرلندی در دهه ۱۹۶۰ میلادی با چاپ نخستین شعرش با عنوان مرگ یک طبیعت‌گرا به شهرت رسید. این اثر توجه منتقدان ادبیات را جلب کرد و جایزه‌های زیادی را نصیب هینی کرد. دیگر مجموعه شعرهای او شامل درجه



شاعری که عاشق انسان بود

شیموس هینی و چند سروده از او

عرق آلودچه هوای سرد و پاک جنگل سرو جایه غبار تیره زمستان داد او عرق را روی آلودچه‌ها ریخت و در بطری را کیپ بست وقتی من درش را گشودم بوی تند و مانده خار خاسک و علف که از شربت‌خانه‌ی سوت و کور بیرون می‌زند به مشامم رسید هنگامی که در جام ریختمش لبه‌ی آلودچه‌ها مانند دشنه تیز بود و شعله کشید با یاد تو می‌نوشم می‌نوشم از آلودچه‌هایی کههربایی بصیقل خورده، نیلگون، تلخ و دلگرمی بخش. چیدن شاه‌توت اواخر اوت، یک هفته‌باران سنگین، یک هفته آفتاب سوزان شاه‌توت‌هامی رسید. نخست تنها یکی شان، غده‌ی ارغوانی درخشان و دیگران سرخ‌سبز، سفت مثل استخوان آن اولی را می‌خوردی و گوشتش چه شیرین بود همچون شربلی غلیظ: در گانش خون تابستان که گله‌ای بزبان می‌گذاشت و دست‌ها را به چیدن اغوا می‌کرد گذشت و جوهر شاه‌توت‌ها جابج گرفت و مارا با پاتیل‌های شیر، قوطی‌های نخود و شیشه‌های می‌را از خانه بیرون آورد تا ساقه‌های ترخون و علف‌های نوربرنگ چکمه‌هایمان را بربود.

مرغزارهای وسیع، مزارع ذرت و کشتزارهای سیب‌زمینی افزود. در ۲۰۱۲ هینی جایزه بهترین شعر گریغین ترست را دریافت کرد.

هینی پیش از مرگ باناشتر خود درباره چاپ یک مجموعه شعرى برای همراهی با مجموعه شعرى سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ صحبت کرد، این مجموعه شعرى جدید از شعر دیدان چیزها آغاز می‌شود و شامل شعرهایی از سطح روح، بی‌تولف و همچنین مجموعه نورا لکتزیک، ناحیه و حلقه و زنجیر انسانی می‌شود، همچنین آخرین شعر این مجموعه اثر پایانی هینی شعر به موقع بود که در نیویورک به چاپ رسید. این شعر درباره نوه هنی یعنی سیوفرا نوشته‌شده و درباره اینکه چطور رشد کرده است، لازم به ذکر است که این مجموعه شعرى پس از مرگ وی به چاپ رسید. متیو هالیس سردبیر بخش شعر خانه نشر فیبر این کتاب را نشری برجسته از یکی از بزرگ‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین شاعران نامید.

شیموس هینی قبل از مرگ در دسامبر ۲۰۱۱ میلادی تمامی دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های خود را به کتابخانه ملی ایرلند اهدا کرد. وی در مراسمی که برای اهدای رسمی این مدارک برگزار شد، به شوخی گفت که سرانجام خاتمش از ۵۰ سال آشفستگی نجات یافت. او گفت: احساس خوشحالی می‌کنم که از دور کردن این مدارک از خاتم‌ام هیچ حس پشیمانی ندارم، بلکه فقط احساس قدرتی و غرور می‌کنم. این که بتوانم دست‌نوشته‌ها، کارها و کاغذهای خودم را به کتابخانه ملی اهدا کنم و آن‌ها را در کنار نوشته‌های بزرگان قدیم و کنونی قرار دهم یک افتخار و امتیاز بزرگ است. همه این‌ها بخشی از یک زنجیر است، یک زنجیر نوشته‌ی انسانی.

این آرشوی شامل ۱۶ دفتر، دست‌نوشته‌های مختلف، نوشته‌های اولیه تصحیح‌ها، بازنویسی هوملار کشاعری این شاعر برجسته ایرلندی است که کنراد آن‌ها نوشته‌هایی از طرف فرزندانش که به عنوان هدیه به او داده شده بود، نیز جای داشت. سیوناراس مدیر کتابخانه ملی ایرلند در این زمینه گفت: به احتمال زیاد کلکسیون آثار هینی تا سال‌های زیادی محققان، توریست‌های فرهنگی و بازدیدکنندگان دیگر را به دوولین خواهد کشاند.

سرانجام این شاعر پر افتخار ایرلندی پس از سال‌ها خدمت در حوزه ادبیات، فرهنگ و آموزش در ۳۰ اوت ۲۰۱۳ میلادی در دوولین دیده از جهان فروست.

چند سروده از شیموس هینی

آب شیر آلودی از شکاف‌های دیوار تراوش کرد
و از خود شیر
عصاره‌ها خمیره خمیره بیرون می‌آمد
آن رویرو
بر تن برزخی زمین سالن
جایی که کارگراها شیفت به‌شیفت
روی آب می‌شربند و
گرصاعت‌شمارمی‌چرخند
و کارخانه، که خود را
مثل کشتی چندستاره پر زرق و برقی
دور از دسترس گاه می‌داشت.
آن‌ها ما بودیم که گشتند و رفتند
گوساله‌هایی با چشم‌های مرمین و خیس
حیرت‌زده و مجذوب نوره‌های شبرنگ.



همیشه که نباید سیل سارا را ببرد

بقیه‌ی زناش هم که از او طلاق گرفتند همیشه از احمد بیک به نیکی یاد می‌کردند. اما نکته‌ی عجیب ماجرا برای من این است، چیزها نبود بلکه احترامی بود که همه‌ی زنان احمد بیک به سارا بیکم قائل بودند.

هوویی که در همه‌ی سال‌ها سایه‌اش بالای سرشان بود، هر چند خودش نبود. شاید بتوان گفت بهترین هوو، هووی مرده است. مادر بزرگ من که زن اول احمد بیک بعد از سارا بیکم بود، وقتی دربارهی سارا بیکم حرف می‌زد انگار در بارهی یک فرشته حرف می‌زد. با احترام از او یاد می‌کرد. زیبایی‌اش را می‌ستود و هیچ ابایی نداشت که سارا بیکم را در حد یک شاهزاده جا بزند. بقیه‌ی زنان احمد بیک هم همین طور با اشتیاق دربارهی سارا بیکم حرف می‌زدند.

شاید یک دلیلش این بود که این‌طور می‌خواستند خودشان را هم صاحب‌بخشی از آن شکوه معرفی کنند چون در جای اونشسته بودند.

مادر بزرگ من در محیط روستایی‌های سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۸ پنج دختر پشت سر هم به دنیا می‌آورد و با همه‌ی اینها هنوز احمد بیک او را به خاطر این اتفاق طلاقش نمی‌دهد. تا این که زن دیگری گرفت و مادر بزرگ من خودش طلاق خواست. مادر بزرگم به روستای پدری‌اش رفت و در آنجا با مرد دیگری ازدواج کرد که حاصلش شد دایی غلام معروف به «شاغلام». مادرم تعریف می‌کرد که احمد بیک هر سال کسی را با دو اسب می‌فرستاد دنبال دایی غلام، که آن روزها پسر بچه‌ی زیبایی با چشم‌های آبی و درشت صورتی گردپوستی سفید بود تا به همراه مادرش یک ماه در روستا مهمان آن‌ها باشند. مادر بزرگم بعضاً همراهش می‌آمد. بار اول که دایی غلام به دعوت احمد بیک به روستای سیدلر آمد، اول روستا به پای دایی غلام یک گوسفند کشت و دو گوسفند هم هدیه داد. دایی غلام با این که پسر احمد بیک به حساب نمی‌آمد اما پیش احمد بیک همواره در حد پسران خودش احترام داشت. این که یک نفر بچه‌ی زنی را که طلاق گرفته به این شکل دوست داشته باشد، فقط در داستان‌های سوزن‌تال می‌توان ردش را گرفت و یازدانی که از مرزی طلاق گرفته‌اند و همچنان از آن مرد به نیکی یاد کنند و باهووی نادیده‌شان را تکریم کنند سوژه‌های مناسبی برای داستان و قصه‌ها هستند، اما احمد بیک همه‌ی اینها را زندگی کرده است.

بعد از طلاق مادر بزرگم راه برای ازدواج بعدی احمد بیک هموار می‌شود. وقتی زنی با بودن یک زن دیگر حاضر به ازدواج با او مردی می‌شود، نمی‌تواند در برابر ازدواج‌های بعدی آن مرد مقاومت کند. اما احمد بیک فقط در زن گرفتن‌هایش خلاصه نمی‌شد. اساتیی با جهان بینی خاص روستایی بود. شاید بتوان ادعا کرد که یک روستایی خالص بود و هیچ از این که روستایی خالص به حساب بیاید ابایی نداشت. با داشتن اموال و املاک فراوان هرگز حتی به فکر خرید یک خانه‌ی کوچک در شهر نیتاند. روزی هم که مرد بیش از ۲۰۰۰ گوسفند و چهل گاو و چند شتر و ده‌ها اسب و قاطر داشت و در خانه‌اش به غیر از چهار زن عقده‌ی، دوازده نفر کار می‌کردند. علیرغم تمکن مالی به حج نرفت و در برابر سئوال دربارهی حج گفت: همین صفورا حج من است. صفورا زنی با سه بچه یتیم بود که در روستای دور دست احمد بیک او را به زنی گرفت و یک قطعه ملک از همان روستا خرید و به او داده بود تا بچه‌هایش را بزرگ کند. صفورا به عنوان تنها زن عقده‌ی احمد بیک که هرگز همدیگر را ندیدند شهره شد.

روی سنگ قبرش اسمش را نوشتند: حاج احمد تقی‌لو. حکاک تصور کرده بود که مردی به سرشناسی احمد بیک با داشتن ده‌ها ملک در روستاهای ماهشان محتما به حج رفته است.

دهاتی‌ها بعد از انقلاب پشت سرهم به قم مهاجرت کردند ولی تا احمد بیک زنده بود خیلی‌ها به احترام او با این که در قم خانه خریده بودند همچنان در روستا ماندند. بعد از فوت احمد بیک در سال ۱۳۶۶ روستا ناگهان خالی از سکنه شد و الان کمتر از ۷ خانوار در روستا ماندند. دو سال قبل از فوتش که به محل زندگی روستایی‌ها در منطقه‌ی نیروگاه قم رفته و زندگی فلاکت‌بار آن‌ها را دیده بود به آن‌هایی می‌گوید: آدم پادشاه یک طوله باشد، بهتر از این است که گانای یک قصر باشد. و ادامه داده بود، شهر جای خوبی است ولی برای زن‌ها.

تا واپسین روزهای عمرش با جوانان بذله‌گویی می‌کرد و خاطرانش را البته به جز خاطراتی که از سال بیکم – داشت برای‌شان تعریف می‌کرد، همه‌ی روستایی‌ها در هر سن و سالی شیفته‌ی حرف‌هایش بودند. شادترین خنده‌های‌شان را با او تقسیم می‌کردند. و توصیه‌ی تاریخی‌اش به همه‌ی مردهای روستا: نمی‌توانید لذت عمر را در کنار زنان تجربه کنید و هیچ لذتی بهتر از هم‌نشینی با مادر فرزندتان نیست.

این روزها نسل دوم هم ولایتی‌های ما تب نوستالوژی پیدا کرده‌اند. در هر فرصتی به روستای اجنادی‌شان می‌روند. البته خبر احداث سد بر روی رودخانه‌ی قزل‌اوزن هم بی‌تاثیر نبوده چون زمین‌هایی که به امان خدا رها کرده بودند قیمت پیدا کرده و دولت قرار است وجب به وجب آن‌ها را از روستایی‌ها بخرد. حتی قبرستان روستاهم به زیر آب می‌رود و دولت برای جابه‌جایی قبرهای قدیمی که بستگان درجه اول زنده‌اند مبلغی می‌دهد تا اگر خواستند قبر متوفای‌شان را جابه‌جا کنند. به دایی‌هایم پیام دادم که قبر احمد بیک را جابه‌جا نکنند و بگذارند در قصه‌ی عشقی که به نام احمد بیک و سارا بیکم رقم زده شده است این بار باب احمد بیک را با خود ببرد. همیشه که نباید سیل سارا را با خود ببرد.

بازار زنجان رادریاییم

اعلانات-بازار زنجان، طولانی‌ترین بازار ایران و یکی از آثار منحصر به فرد استان که در دوره قاجار به ساخته شده، با وجود فراز و فرودهای فراوان همچنان صلابت خود را حفظ کرده است اما مشکلاتی این اثر تاریخی را تهدید می‌کند که نیازمند توجه روز افزون است.

به گزارش ایرنا میراث فرهنگی هویت ملی و نماد فرهنگی هر کشوری به شمار می‌رود و نشان از پیشرفت و رشد انسان در طول تاریخ دارد. حفاظت از آثار باستانی و شناساندن این میراث بزرگ به جهانیان موجب جذب گردشگران و پویایی اقتصاد کشور می‌شود. خورده‌های گوناگون در آن محول می‌سازد. در این میان آثار باستانی و میراث فرهنگی هر کشوری شناسنامه آن به شمار می‌رود. آثار باستانی قدمت، تاریخچه و تمدن هر سرزمینی را مشخص می‌کنند. بنابر این، حفاظت و حراست از آنها امری ضروری است و نسل‌های مختلف نیز چون پیشینیان باید از این میراث اجدادی پاسداری کنند. ایران هم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری دارای آثار تاریخی فراوانی است که به عنوان گنجینه‌های بزرگ از آثار گذشتگان و آینه‌ای تمام‌نما از تمدن ایرانی معرفی می‌شود. استان زنجان نیز با داشتن ظرفیت‌های بی‌بدیل در حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به ویژه آثار شاخص و فاخری همانند بازار زنجان، گنبد جهانی سلطانیه و غار کتله خور را در خود جای داده است. در این میان آثاری ارزشمند همانند بازار تاریخی زنجان نیز که از سال‌های دور و دراز تا کنون قلب تپنده شهر محسوب می‌شود در گذر زمان‌های مختلف و با حفظ موقعیت آن از گذشته به اکنون رسیده است. این اثر بی‌همتای دوران قاجار به چشم هر بیننده‌ای را در سراهای مختلف به خود معطوف می‌کند. این مکان در تحولات گوناگون استوار مانده، اما حفاظت از آن در برابر گزند حوادث نیازمند تدابیر لازم است. بازار زنجان همواره زیانزد خاص و عام بوده اما حفظ و بقای روز افزون آن نیازمند توجه مسوولان و متولیان امر بوده و چه بسا بی‌اعتنایی به آن می‌تواند آثار جیران ناپذیری را بر جا بگذارد که حتی صرف هزینه‌های هنگفت هم دیگر سودی نخواهد شد.

آب‌های زیرسطحی و بنیود اعتبار ۲ چالش عمده بازار زنجان
معاون میراث فرهنگی استان زنجان با بیان اینکه بازار تاریخی زنجان به عنوان قطب اقتصادی و قلب تپنده داد و ستد شهر زنجان محسوب می‌شود گفت: سالانه با اندک اعتبارات تخصیصی از محل استانی و ملی به‌طور مستمر توسط معاونت میراث فرهنگی اداره کل مرمت و رفع خطر انجام می‌گیرد. محمدرضا محمدپور افزود بازار زنجان با توجه به گستردگی و کاربری‌های وابسته مساحتی بالغ بر ۱۵ هکتار را در بر می‌گیرد، در این میان مرمت و ساماندهی این بنای تاریخی عظیم نیازمند مشارکت همه‌جانبه کسبه و هیات‌ام‌نای محترم بازار و دستگاه‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط است. این مسوول ادامه داد: خوشبختانه در حال حاضر حداکثر تعامل و همکاری با شهرداری و هیات امنای بازار وجود دارد که نتیجه آن کف سازی بازار زنجان است. محمدپور افزود: امسال نیز از محل اعتبارات مرمت‌های اضطراری بناهای تاریخی و مذهبی، قسمت‌های مختلف بازار پس از بازدید اعضای شورای فنی و اولویت‌بندی و تهیه شرح خدمات مورد مرمت و ساماندهی قرار خواهد گرفت. موضوع دیگری که مجموعه به بازار زنجان حتی شیت‌های آن را تهدید می‌کند وجود آب‌های زیرسطحی است. وی با بیان اینکه بازار زنجان نیز همچون دیگر بناهای تاریخی کشور با داشتن ضوابط و مقررات زیر چتر حمایت و حفاظت میراث فرهنگی قرار گرفته است اظهار داشت: از جمله این ضوابط می‌توان به عدم افزایش ارتفاع، احداث بالکن در داخل مغازه، عدم تراشیدن جرزها و پایه‌های بازار، عدم نصب شیشه سکوریت و تابلوهای نامتعرف و غیره اشاره کرد. معاون میراث فرهنگی استان زنجان با بیان اینکه در تعدادی از حجره‌های بازار مشاهده می‌شود برخی از ضوابط اشاره شده توسط کسبه نادیده گرفته می‌شود، ادامه داد: این موضوع خود موجب آسیب‌ساز ای و بصری شده و باید سریعا به حالت اولیه خود بازگردود. وی تاکید بر اینکه موضوع دیگری که مجموعه بازار زنجان و حتی شیت بازار را تهدید می‌کند وجود آب‌های زیرسطحی است خاطر نشان کرد: باید برای حل آن اقدامات موثری از سوی دستگاه‌های مرتبط صورت گیرد. این مسوول ابراز امیدواری کرد با همکاری‌های بین بخشی شهرداری زنجان، هیات امنای بازار، به ویژه کسبه از این گنجینه گرانبه‌ها، نحو احسن نگهداری شود تا هماهنگانندیک امانت‌ارزشمند آن را به آیندگان تحویل دهیم.

عدم ساماندهی سیم کشی بازار زنجان چالش جدی

رئیس هیات امنای بازار زنجان نیز با بیان اینکه بازار زنجان اثری ماندگار و بی‌بدیل برای مردمان این استان و در سطح کشور محسوب می‌شود، گفت: به‌طور معمول در صورت بروز مواردی و انجام مت‌مور تمیم کارشناسان میراث فرهنگی وارد عمل می‌شوند. سید محمد علویون با بیان اینکه در صورت بروز مشکلاتی نظیر مشاهده ترک‌ها کارشناسان میراث فرهنگی به این مهم توجه می‌کنند. افزود: به‌طور معمول مشکلات احتمالی از سوی بازاریان احصا و پس از جمع‌بندی به کارشناسان امر در میراث فرهنگی انتقال داده می‌شود. وی با بیان اینکه تر تمیم و مرمت بازار زنجان توسط دستگاه متولی امر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی صورت می‌گیرد، اضافه کرد: انجام چنین کاری نیز به‌بودجه‌های کلان نیاز دارد که تا مین آن امری دشوار است. این مسوول یکی از اقدامات مهم برای پویایی بازار زنجان را سنگفرش آن عنوان کرد و گفت: **ادامه در ستون وپرو**

اعلانات-ار دو گاه ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی زنجان

اعلانات-ار دو گاه ساماندهی آسیب دیدگان اجتماعی زنجان با حضور مسئولان استانی و با هدف کاهش معضلات این بخش افتتاح شد. به گزارش ایرنا شهردار زنجان در مراسم افتتاح این اردو گاه در جمع خبرنگاران با بیان اینکه ظرفیت بسیار خوبی در اردو گاه برای آسیب دیدگان اجتماعی فراهم شده است، افزود: در این مکان به صورت مجرایخش‌های برای اسکان ۴۰ نفر در نظر گرفته شده است ولی قطعا تعداد آسیب دیدگان اجتماعی جمع آوری شده به این تعداد نخواهد رسید.

علیرضا فیروزفر با بیان اینکه آسیب دیدگان اجتماعی به ویژه متکدیان از سطح شهر جمع آوری و در این محل اسکان داده می‌شوند، افزود: در ادامه این افراد با همکاری نمایندگان دستگاه‌های متولی از قبیل بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) تعیین تکلیف می‌شوند و با برخی هم با تشخیص مقام قضایی برخورد قضایی صورت می‌گیرد. این مسوول ابراز امیدواری کرد که با همت جمعی و همکاری‌های بین بخشی شاهد تحول خوبی در چهره عمومی شهر باشیم و نوعی ناپسامانی و پراکندگی آسیب دیدگان اجتماعی در سطح شهر، به حداقل کاهش یابد.

و وی با بیان اینکه شهر زنجان به دیار مهربانی معروف است، اظهار داشت: امیدواریم این مهربانی‌ها به سمت کمک به خیریه‌هایی سوق داده شود که می‌تواند برای ساماندهی امور آسیب‌دیدگان اجتماعی به کار گرفته شود.

فیروزفر با بیان اینکه مسوولان این اردو گاه می‌توانند با همکاری‌های بین بخشی شاهد تحول خوبی در چهره عمومی شهر باشیم و نوعی ناپسامانی و پراکندگی آسیب دیدگان اجتماعی در سطح شهر، به حداقل کاهش یابد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجاری
رییس شورای سردبیری: حسین نجاری
لیتوگرافی امیر، چاپ: کتیبه

نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۳۴
تلفن: ۳۳۵۸۲۷۰ ، کد پستی: ۴۵۱۸۸۳۳۷۹

اردو گاه ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی زنجان افتتاح شد



حضور خواهند یافت تا غربالگری آسیب‌دیدگان به صورت دقیق انجام شود. این مسوول با بیان اینکه نتایج این اقدامات به زودی در جامعه تأثیر خواهد گذاشت، گفت: انتخاب مکان اردو گاه به گونه‌ای انجام شده است که کمترین مزاحمت را برای شهروندان داشته باشد. فیروزفر با بیان اینکه مسوولان این اردو گاه می‌توانند با همکاری‌های بین بخشی شاهد تحول خوبی در چهره عمومی شهر باشیم و نوعی ناپسامانی و پراکندگی آسیب دیدگان اجتماعی در سطح شهر، به صورت روزانه



آمادگی شهر داری زنجان برای اجرای طرح زمستانی

به کارگیری می‌شود

معاون خدمات شهری شهرداری زنجان نیز در این مراسم با بیان اینکه سال گذشته ۲ کارگاه محلول یخ‌زا را در شهر زنجان ایجاد کردیم، افزود: امسال با اقدامات انجام گرفته به میزان ۴۰۰ هزار متر مکعب محلول یخ‌زا در کارخانجات تولید محلول شهر زنجان ذخیر شده است.

سیداسماعیل موسوی افزود: این محلول به‌طور خاص برای جلوگیری از یخ‌زدگی سطح زمین طراحی شده است و با

شهردار زنجان گفت: برای تجهیز اردو گاه مبلغی بیش از یک میلیارد ریال هزینه شد. اما هزینه‌های روزانه مبلغ قابل توجهی را شامل می‌شود که با توجه به تعداد آسیب دیدگان جمع آوری شده تأمین شده است.

این مسئول شهرداری ادامه داد: در زمان حاضر ظرفیت پذیرش زنان و مردان در این مرکز به تعداد ۴۰ نفر در نظر گرفته شده است ولی قطعا تعداد آسیب دیدگان اجتماعی جمع آوری شده به این تعداد نخواهد رسید.

وی با بیان اینکه شمار آسیب دیدگان اجتماعی پذیرفته شده در اردو گاه در روزهای اولیه ۱۰ تا ۱۲ نفر بیش نیست، گفت: آسیب دیدگان اجتماعی به مدت یک شب در این مکان نگهداری

می‌شوند و بلافاصله اقدامات بعدی برای آنها با همکاری دستگاه‌های متولی صورت می‌گیرد. فیروزفر خاطر نشان کرد: عملکرد دستگاه‌های متولی امر در تعیین تکلیف آسیب دیدگان اجتماعی می‌تواند وضعیت بهتری را در کاهش مشکلات اجتماعی رقم بزند و در این

میان شهرداری وظیفه تجهیز و راهاندازی اردو گاه ابر عهده ساخت یا اجاره محل صرفه‌جویی مالی شد.

استفاده از نمک اشباع شده در آب داغ، لایه‌ای بین آسفالت و جریان برق ایجاب می‌کند.

این مسوول شهری ادامه داد: امسال ۱۶ دستگاه نمک‌پاش جدید به ناوگان شهرداری زنجان اضافه شده است که در صورت نیاز به کارگیری خواهد شد.

وی با بیان اینکه نیاز به کارخانه‌های تولید محلول یخ‌زد در کارخانجات متر مکعب محلول یخ‌زد است، اظهار داشت: نمک استفاده شده در این سیستم از نوع دریايي است که نفوذپذیری

بالا تری دارد و آسیب کمتری به آسفالت می‌زند. موسوی با بیان اینکه همچنین ۱۶ خودرو مکانیکی برای تخلعات رسانی به معابر در نظر گرفته شده است، افزود: برای پوشش کامل شهر به ۲۶ تا ۲۷ خودرو نیاز داریم. معاون خدمات شهری شهرداری زنجان از شهروندان خواست که در زمان فرس‌رویی همکاری کنند. نسبت به پاک‌سازی معابر اقدام کنند. وی با بیان اینکه زنجان دارای یک هزار و ۲۰۰ کیلومتر معبر است و ۶۵۰ نفر نیرو برای پاک‌سازی معابر در نظر گرفته شده‌اند، خاطر نشان کرد: عملیات زمستانی از ۱۵ آذر آغاز می‌شود که تا ۱۵ اسفند ادامه دارد. به گفته موسوی برای اجاره خودروها، حدود ۱۰۰ میلیارد ریال هزینه شده همچنین برای هر منطقه ۵۰۰ تن نمک دریايي خریداری شده است.



مدیر کل مدیریت بحران استانداری زنجان:

ار تقای ماشین آلات مدیریت بحران زنجان نیازمند تخصیص اعتبارات کلان است

بابایی با اشاره به فرارسیدن فصل سرد سال و لزوم آمادگی دستگاه‌ها در این زمینه، افزود: مدیریت بحران به عنوان دستگاه اصلی عضو ستاد مدیریت بحران پیگیری برگزاری طرح‌های زمستانی دستگاه‌های عضو ستاد است.

وی با بیان اینکه از جمله دستگاه‌های مهم برای مدیریت بحران در حوزه شهری، شهرداری است. اضافه کرد: مدیریت شهری باید تمهیدات لازم را برای مدیریت و کنترل حوادث غیرمترقبه از جمله بارش برف‌های سنگین و پیشگیری از ایجاد معضلات شهری را اتخاذ کند. این مسوول با بیان اینکه شهرداری باید برای بازگشایی معابر و خیابان‌ها و تسهیل در تردد مردم هنگام بارش برف تدابیر لازم را بیندیشد. ادامه داد: در خارج از شهر هم‌ا‌دره کل راه‌اندازی استان، وظیفه بازگشایی راه‌ها در تمامی آزادراه‌ها و جاده‌های شهری و روستایی بر عهده دارد.

بابایی با اشاره به نقش پلیس در این زمینه، گفت: این نیرو به ویژه پلیس راهور نیز در طرح زمستانی نقش آفرین است و با حضور مستمر خود در سطح جاده‌ها از بروز خسارات و مشکلات احتمالی جلوگیری می‌کند.

وی با بیان اینکه مدیریت بحران یک دستگاه ستادی است که وظیفه هماهنگی، کنترل و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی را بر عهده دارد، گفت: در صورت نیاز از کمک دستگاه‌های متولی امر برای پیشبرد کارها استفاده می‌شود.

این کار از سوی شهرداری زنجان در حال اتمام است، البته اقدامات مربوطه در راسته پاشا، ضلع جنوبی انتهای امتداد کوچه باشگاه طی ۲ ماه آغاز خواهد شد. وی با بیان اینکه سنگفرش میدان آهنگران بازار زنجان هر چند مشکلاتی وجود دارد، به زودی آغاز خواهد شد، گفت: کارهای بسیار خوبی در محدوده منتهی به بازار انجام گرفته به طوری که ۸۰ درصد سنگفرش شده و ۲۰ درصد دیگر باقیمانده است. رئیس هیأت امنای بازار زنجان با بیان اینکه کارهای عمرانی و اقدامات شرکت‌های خدمات رسان آب و گاز صورت گرفته است، گفت: عملکرد مشکل‌این مکان تاریخی ساماندهی سیم‌کشی برق است.

ساماندهی سیم‌برق‌ها لنگ اعتبار

وی با بیان اینکه سیم‌کشی‌های لحاظ بصری نامطلوب و خطر آفرین و نیازمند ساماندهی جدی است اظهار داشت: مشکل برق به لحاظ ایمنی خطرات جدی دارد و سیمای بازار را مخلوش کرده است. رئیس هیأت‌ام‌نای بازار زنجان با تاکید بر ناپسامانی‌های موجود در معابر بازار، به لحاظ سیم‌کشی برق که تاکنون تهدیدکننده نبوده است افزود: وی این مهم‌از لحاظ بصری ناخوشایند بوده که اصلاح آن نیازمند همراهی اداره برق است که بخشی هنوز ساماندهی نشده و باید اقداماتی انجام‌شود. وی با بیان اینکه به گفته مسوولان شرکت توزیع برق ساماندهی سیم‌ها نیازمند تأمین اعتبارات است. گفت: به‌طور مختصر نیاز است گفت: به‌طور مختصر ساماندهی سیم‌های برق مربوط به میدان میوه‌فروشان انجام گرفت اما پس از آن متوقف‌شد. به گفته مسوولان شرکت توزیع برق ساماندهی سیم‌ها نیازمند تأمین اعتبارات مورد نیاز است. گفت: به‌طور مختصر ساماندهی سیم‌های برق مربوط به میدان میوه‌فروشان انجام گرفت اما پس از آن خبری نیست. علویون با بیان اینکه این موضوع از سوی هیات امنای به‌طور جدی در حال پیگیری است، افزود: در ورین‌ها، وی روزرسانی آن نیز از سوی شهرداری انجام گرفته است. علویون تاکید بر ضرورت ساماندهی سیم‌کشی‌های برق در بازار زنجان خاطر نشان کرد: در سایر امور اقداماتی برای ارتقای ایمنی انجام شده است. وی با بیان اینکه در حال حاضر با لوله‌کشی گاز خطرات قبلی از جمله استفاده از نفت، گاز پیک‌نیک و کپسول‌ها رفع شده است، افزود: اما در کل اگر بی احتیاطی هر جایی روی دهد، ایمنی را با مشکل مواجه می‌کند که در مورد بازار هم همین‌طور است. این مسوول با بیان اینکه در مجموع می‌توان گفت ایمنی لوله‌کشی گاز ضروری‌تر از راهکارهای قبلی است، گفت: به‌جرات می‌توان گفت در هیچ بازار از سطح کشور گازکشی نشده و بازار زنجان اولین آن محسوب می‌شود. رئیس هیأت امنای بازار زنجان این بازار را ایمن عنوان کرد و گفت: اگر سیم‌کشی‌ها ساماندهی‌شوند، بی احتیاطی‌ها کنار بگذاریم، مشکل بزرگی در بخش ایمنی بازار وجود ندارد چرا که موارد ایمنی در لوله‌کشی‌های گاز و همچنین نصب تجهیزات اولیه آتش‌نشانی رعایت شده است. وی در خصوص دخل و تصرف بازاریان و بی‌توجهی به ضوابط میراثی بازار نیز گفت: برای ساماندهی بازار در موضوعات مختلف کار هستیم. اما برخی مغازه‌داران نسبت به نصب برخی اقلام سنگین و تابلو بروی دیواره اقدام می‌کنند که جای تاسف دارد. علویون افزود: در این راستا از دستگاه‌های متولی امر همانند میراث فرهنگی و شهرداری درخواست می‌شود نسبت به این مسائل ورود کنند. آن آسیب‌احتمالی را در بازار شاهد هستیم. وی در پاسخ به سؤالی در مورد مشکلات دسترسی به بازار در حین بروز مشکل گفت: نیروهای امدادی از نقاط مختلف به بازار دسترسی دارند، ولی در مورد حوادث غیرمترقبه، اقدامات مقتضی از جمله اجباری شدن استقرار کپسول آتش‌نشانی به تسهیل امور کمک خواهد کرد.

امداد رسانی به بازار در هنگام وقوع حادثه چالش اساسی
رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری زنجان نیز با بیان اینکه بحث امداد رسانی به بازار در هنگام وقوع حادثه یک چالش مهم و اساسی است گفت: این مهم به نوعی یک خطر بالقوه محسوب می‌شود. مجید امیرفضلی افزود: طی سال‌های اخیر نیز حوادث حساسی در این مکان به‌وقوع پیوسته که در این راستا یک طرح مطالعاتی ارزیابی ریسک آتش سوزی بازار انجام گرفته به گفته وی، یکی از این ریسک‌های مهم، رسیدن به محل حادثه و دیگری معبر است که دسترسی‌ها را با دشواری مواجه می‌کنند. این مسوول ادامه داد: بحث آبرسانی، سیستم‌های برق و از همه مهم‌تر گازکشی داخل بازار و ایمنی مغازه‌ها از جمله مسایل مهمی بوده که در طرح مطالعاتی شناسایی و مشخص و راهکارهای مقابله با خطرات نیز ارائه شده است. وی اظهار داشت: برای اجرای این راهکارها باید یک همت دسته‌جمعی در دستگاه‌های خدمات‌دهنده از جمله شرکت برق، گاز، اداره کل میراث فرهنگی، شهرداری و نظام مهندسی شکل گیرد تا ریسک آتش سوزی در بازار زنجان به حداقل ممکن برسد و ایمنی آن نیز ارتقا یابد. نبود دسترسی مناسب به مسیرهای منتهی به بازار، سد معبر و ورود مغازه‌داران به حریم معابر، اجرا نشدن سیستم اعلام و اطفا‌ی آتش سوزی در مغازه‌ها، پاساژها و سرراه‌ها، نگذاردن دور‌های آتش‌نشانی، سیم‌کشی‌های غیر استاندارد در داخل مغازه‌ها از جمله مشکلات بازار زنجان است. به گفته وی، آشنایی نداشتن کامل با خطرات گاز شهری و نحوه ایمن کردن سقف‌های چوبی در بعضی سرراه‌ها راه‌بندهای غیر استاندارد و غیر کارشناسی شده وجود مواد خطرناک یا سریع‌الاشتعال و رعایت نشدن نکات ایمنی در این موارد از چالش‌های دیگر ایمنی بازار در شرایط کنونی است. گفتنی است بازار زنجان با احتساب پاساژهای اطراف ۲ هزار و ۳۰۰ و خود بازار و سرراه یک هزار و ۳۰۰ باب مغازه دارد.